

بررسی تحلیل اثرات سیاست‌های انرژی ترامپ بر امنیت بازارهای نفت خام ایران

سید عبدالله رضوی^۱ - محمد نصر اصفهانی^۲

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۶

چکیده

وابستگی همه‌جانبه اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی موجب گردیده که حفظ سهم بازار و فروش نفت با قیمت بهینه نفت خام به منظور تأمین امنیت اقتصادی کشور از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. در این مقاله فرضیه سیاست‌های انرژی اتخاذ شده توسط ترامپ که موجب افزایش اثرگذاری راهبردهای دولت آمریکا بر حوزه انرژی‌های فسیلی ایران و کاهش سهم بازار آن می‌گردد، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. پرسش این مقاله آن عبارتست از: «سیاست‌های انرژی ترامپ چه تأثیری بر امنیت بازارهای نفت ایران گذاشته است؟». در این مقاله کانال‌های اثرگذاری راهبردهای ترامپ بر بازار نفت ایران مشخص شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد سیاست‌های اعمالی ترامپ به شدت سهم بازارهای نفت ایران را کاهش داده است. در این راستا، فرصت‌های صادرات نفت خام برای عراق، آمریکا، روسیه و عربستان به مشتریان ایران منجر به افزایش سهم بازار این کشورها گردیده است. بازگشت سهم صادرات نفت خام ایران به آسیا و اروپا با متزلزل شدن توافق برجام، موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی نفت خام کشور گردیده است. همچنین توافق اخیر کشورهای عضو و غیر عضو اوپک در مورد کاهش حجم تولید نفت، کمک شایانی به گسترش تولید نفت شیل آمریکا و بازارهای صادراتی این کشور نموده است.

واژگان کلیدی: نفت ایران، راهبرد ترامپ، برجام، اوپک، قانون ضد تراست

۱. استادیار گروه مدیریت و اقتصاد انرژی دانشگاه صنعت نفت، تهران، ایران (نویسنده مسئول) srazavi@put.ac.ir
۲. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران mnasr121@gmail.com

مقدمه

نظر به اینکه درآمدهای نفتی سهم بالایی در تولید ناخالص داخلی ایران دارند و بودجه دولت وابستگی قابل توجهی به درآمدهای نفتی دارد، لذا هرگونه نوسان در قیمت‌های جهانی نفت، اختلالات شدیدی در برنامه‌های توسعه و برنامه‌های سالانه این کشور به وجود می‌آورد. از آنجا که قیمت نفت کشور ارتباط تنگاتنگی با قیمت نفت خام شاخص بازار اروپا و آمریکا در بازارهای مدیترانه و شمال غرب اروپا دارد و سیاست‌های ترامپ در حوزه نفت و گاز، از طریق گسترش تولید نفت و گاز و تصاحب سهم بازار نفت کشورهای عضو اوپک بویژه بازارهای صادراتی ایران از یک سو و اعمال سیاست‌های تنظیم سطح قیمت نفت خام شاخص آمریکا (وست تگزاس اینترمدیت) از سوی دیگر، بازار نفت و درآمدهای نفتی کشور را متأثر می‌سازد. لذا تامین امنیت بازارهای نفتی کشور در مقابل اختلالات احتمالی ناشی از راهبردهای ترامپ جهت سهم بیشتر در بازار آسیا بسیار با اهمیت می‌باشد. ترامپ با توجه به برنامه آمریکا مبنی بر افزایش صادرات نفت خام درصدد کسب سهم بازار ایران بوده و با ارسال محموله‌های نفت خام آمریکا به هند، کره جنوبی، چین و ژاپن طی یکسال گذشته بدنبال افزایش سهم بازار خود در آسیا بوده است. با عنایت به موارد پیش گفته، شناخت ساز و کار اثرگذاری راهبردهای ترامپ در حوزه انرژی بر بازار نفت می‌تواند تاثیرات منفی آن بر اقتصاد ایران را تعدیل ساخته و تاب‌آوری اقتصاد ملی را افزایش دهد.

بیان مسئله

امروزه نفت بعنوان کالایی راهبردی در صحنه بین‌الملل مطرح است. کشورهای توسعه یافته و نوظهور برای حفظ و افزایش رشد اقتصادی خود، نیازمند نفت با قیمت‌های مطلوب می‌باشند. تشکیل شرکت‌های چندملیتی نفتی از سالیان پیش اقدامی در تقابل با تجارت آزاد بوده است. همچنین با تغییر چهره سیاسی جهان، ابزارها و سازمان‌های نوینی شکل گرفته‌اند تا این هدف محقق شود. برای مقابله با اتحادیه کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک، آژانس بین‌المللی انرژی تشکیل شده است تا با بهره‌گیری از روش‌های نوین مانند ایجاد بورس‌های نفتی (لندن، نیویورک) میلیاردها دلار سود بابت انجام معاملات کاغذی به جیب شرکت‌های نفتی این

کشورها سرازیر شود. همچنین با همین رویکرد، موسسات، شرکت‌ها و نهادهای مختلف مانند موسسه همکاری‌های اقتصادی شکل گرفته و فعالیت می‌نمایند. کشورهایی که در کنترل اقتصاد جهانی نقشی به عهده دارند، هر اقدام خود را بر اساس ضرورت‌های راهبردی تنظیم می‌کنند. چنین فرایندی به معنای آن است که همواره بین اقتصاد، امنیت و الگوهای کنش راهبردی کشورها رابطه مستقیم و متقابل وجود دارد. بنابراین نمی‌توان سیاست‌گذاری اقتصاد نفت را بدون در نظر داشتن راهبردهای اقتصاد جهانی و نقش قابل توجه بازیگری ایالات متحده آمریکا در سطح بازارهای جهان تحلیل نمود. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های برنامه حوزه انرژی آمریکا عبارتند از: استقلال انرژی، توسعه تولید نفت و گاز در مناطق قطبی و فلات قاره، مخالفت با سیاست‌های اجباری کنترل انتشار کربن و ارائه مشوق‌های مالیاتی برای تولید انرژی. راهبردهای دولت آمریکا در حوزه انرژی به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده نفت جهان و همچنین تولیدکننده برتر نفت، تاثیر بسزایی در صحنه بازار بین‌المللی انرژی دارد. از سویی دیگر کاهش وابستگی کشور آمریکا به منابع وارداتی با توجه به توسعه اخیر این کشور در زمینه تولید نفت و گاز شیل^۱ و تأکید سیاست‌های جمهوری خواهان بویژه ترامپ بر سیاست استقلال انرژی و عدم توجه جدی به مسائل زیست‌محیطی موجب گردیده است صنعت نفت آمریکا در این دوره رشد قابل توجهی را تجربه نماید. علاوه بر اینها از آنجا که آمریکا نیروی متعادل کننده نهادهای اقتصاد جهانی است، لذا از قابلیت لازم برای هماهنگ‌سازی موضوعات مربوط به نفت، اقتصاد، امنیت و قدرت راهبردی کشورهای منطقه‌ای برخوردار است.

پرسش تحقیق: سیاست‌های انرژی ترامپ چه تأثیری بر امنیت بازارهای نفت ایران گذاشته است؟

فرضیه تحقیق: سیاست‌های اتخاذ شده ترامپ موجب افزایش اثرگذاری راهبردهای دولت آمریکا بر حوزه انرژی‌های فسیلی ایران و کاهش سهم بازار ایران می‌گردد.

روش تحقیق: روش پژوهش در این نوشتار کیفی با رویکرد توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و با رجوع مستقیم به کتب، مقالات و منابع اینترنتی است.

پیشینه تحقیق: آثار موجود در حوزه موضوعی این پژوهش دارای پراکندگی و عدم انسجام بسیاری است و بیشتر مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در رابطه با راهبردهای دولت آمریکا در

حوزه انرژی تنها با برآورد یک یا دو شاخص اقتصادی انجام گردیده است و هیچ کدام از آنها، کانال‌های اثرگذاری راهبردهای ترامپ را کانالیزه ننموده‌اند.

کوردن^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای اقتصادی آقای ترامپ»؛ با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و بررسی دو سیاست بزرگ اقتصادی، با توجه به افزایش کسری بودجه با کاهش نرخ مالیات و افزایش حمایت از کشورهای دارای نقض تجاری در ایالات متحده، نتیجه می‌گیرد که این سیاست‌ها موجب کسری تراز تجاری خواهد شد و سیاست حمایت ترامپ موجب آسیب به ایالات متحده و آسیب‌های جهانی خواهد شد.

تولسون^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «پاسخ‌های سیاستی در دوره دولت ترامپ به میزان مواجهه با ریسک اقتصادی»؛ به بررسی تأثیر سیاست‌های ترامپ بر اشتغال و رشد اقتصادی و ریسک‌های ناشی از آن می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که این سیاست‌ها از طریق افزایش نوسانات بازار کار افزایش یافته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست‌های اتخاذی دولت کنونی آمریکا با توجه به عدم حمایت از بیمه بیکاری و تأمین اجتماعی نمی‌تواند ریسک اقتصادی را کاهش دهد.

کلیاس^۳ و همکاران (۲۰۱۳)، در مطالعه خود بر مبنای اثر فعالیت‌های تروریستی و جنگ بر قیمت نفت، به بررسی اثرات جنگ و تروریسم در کوارینانس بین شاخص قیمت نفت و بازار سهام عمده در آمریکا و اروپا با استفاده از یک مدل غیرخطی از نوع گارچ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌های تروریستی و جنگ معمولاً از ناحیه عرضه نفت، موجبات افزایش ریسک تولید و در نهایت نوسانات قیمتی می‌گردد.

اسلامی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن برای امنیت انرژی جهان»؛ انرژی را یکی از مهمترین پیشران‌های توسعه اقتصادی معرفی می‌نماید. این مقاله با روش توصیفی در عرصه مناسبات و رقابت‌های جهانی، برخورداری از منابع انرژی را ابزار قدرت بحساب می‌آورد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کاهش تغییرات نامطلوب آب و هوایی، افزایش تولید نفت و گاز شیل و حرکت تدریجی بین‌المللی شدن بازار گاز طبیعی، فرصت‌هایی را برای تامین امنیت انرژی در سمت تقاضا ایجاد کرده است.

1. Corden
2. Tolson
3. Kollias

شالباف (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تغییر اهمیت راهبردی منابع نفتی و پیامدهای آن از نظر سیاست‌گذاری»؛ با استفاده از روش توصیفی تحلیلی بر این باور است که اهمیت راهبردی منابع نفتی در سطح جهانی و داخلی کاهش یافته است و به این ترتیب نفت دیگر کالایی به اندازه گذشته مهم نیست. افزایش مقاومت اقتصاد ملی و جهانی نسبت به تغییرات عرضه نفت ایران از نشانه‌های این تحول است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تحول مهم افزایش خطر، کاهش غیرمنتظره تقاضای نفت است، خطری که سایه آن همواره در سال‌های اخیر در این صنعت احساس شده است. در واقع نگرانی از امنیت عرضه در دهه‌های اخیر کم‌رنگ و نگرانی از امنیت تقاضا برجسته شده است.

رضوی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاثیر سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت نفت خام‌های شاخص در کوتاه‌مدت»، به بررسی تاثیرات سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت نفت خام‌های شاخص پرداخته‌اند. بدین صورت که در کوتاه‌مدت با تغییر در نرخ بهره آمریکا، در اثر سیاست‌های پولی، جریان نقدینگی بین بازارهای مالی (پولی، اوراق قرضه و سرمایه) و بازار نفت، قیمت نفت خام را از مسیر بلندمدت خود منحرف می‌نماید. آنها همچنین به بررسی انحراف قیمت نفت خام از مسیر بلندمدت آن با توجه به روابط بین بازارهای مذکور در کوتاه‌مدت که بطور عمده ناشی از سیاست‌های پولی است، پرداخته‌اند.

چارچوب نظری

سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی نفت در سطح بین‌المللی به گونه‌ای است که سیاست‌های راهبردی و اقداماتی همانند تحریم، موازنه درآمدهای ناشی از فروش نفت و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت بر اساس ضرورت‌های نظام جهانی شکل می‌گیرد؛ چنین فرایندی به مثابه آن است که قیمت نفت بر اساس ضرورت‌ها و نشانه‌های اقتصاد جهانی مورد ارزیابی قرار گیرد و اینگونه نشانه‌ها به این مفهوم است که نفت در زمره کالاهای راهبردی اقتصاد جهانی و همچنین بازار جهانی کالا قرار دارد. سیاست‌گذاری اقتصاد نفتی، آثار خود را در حوزه‌های مختلف اقتصادی به جا می‌گذارد.

از منظر برخی از نظریه پردازان روابط و امنیت بین‌الملل، اقتصاد جهانی تابعی از ضرورت‌های

امنیت ملی قدرت‌های بزرگ و نیازهای سیاست بین‌الملل است. در این زمینه تمرکز نظریه‌پردازانی نظیر کارل بر اقتصاد سیاسی نفت بوده و هرگونه بحران، تروریسم، شورشگری و منازعات منطقه‌ای را ناشی از ناکارآمدی دولت نفتی و نیاز نظام جهانی به اقتصاد نفتی می‌داند. تری لین کارل^۱ تلاش دارد تا رابطه‌ای ساختارمند بین اقتصاد، سیاست و امنیت جهانی ایجاد کند. روندهای موجود اقتصاد جهانی معطوف به فرایندی است که بر اساس آن هر بحران منطقه‌ای می‌تواند بر معادله بازارهای جهانی تاثیرگذار باشد (کارل، ۱۳۹۰: ۱۴).

برنامه‌ریزی اقتصادی سیاسی نفت در تفکر راهبردی آمریکا بر اساس رویکرد تحلیل سیستمیک انجام می‌گیرد. تحلیل سیستم‌ها برای تشریح توسعه و استفاده از مدل‌های کمی برای تصمیم‌سازی استفاده می‌شود. البته سیستم‌ها به شکلی پویا و دائمی در حال تغییر هستند و بازیگران مختلفی در هر سیستم به ایفای نقش می‌پردازند. بنابراین، سیاستگذاری اقتصاد سیاسی نفت نیز تابعی از شاخص‌های نگرش سیستمیک تلقی می‌شود (شافریتز و دیگران، ۲۰۱۲)^۲. از نظر ابینگر (۲۰۰۷)^۳، شاخص‌های تشکیل دهنده اقتصاد سیاسی انرژی بیانگر آن است که همواره موضوع نفت و انرژی از عوامل تاثیرگذار بر اقتصاد جهانی، منطقه‌ای و ملی تلقی می‌شود. امنیت انرژی یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد و سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. فرایند برنامه‌ریزی بازیگران مسلط در نظام جهانی به گونه‌ای شکل گرفته است که به موجب آن، امنیت انرژی از قابلیت لازم برای اثربخشی بر نحوه رفتار سیاسی و اقتصاد کشورها بویژه قدرت‌های بزرگ برخوردار است. لذا سیاست‌های ترامپ که در حوزه انرژی اجرا می‌شود را می‌توان به عنوان بخشی از نگرش نظام‌مند به اقتصاد سیاسی نفت دانست. ضرورت کنترل منابع ایجاب می‌کند که چنین بازیگرانی بتوانند از ابزار انرژی برای کنترل سیاست و امنیت بین‌الملل استفاده کنند (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

نظریه‌هایی که بر مولفه‌های اقتصادی متمرکز اند

به طور کلی می‌توان از دو گروه از نظریه‌های تحلیل وضعیت بازار نفت و تحلیل راهبردهای ترامپ نام برد: اول نظریه‌هایی که تمرکز آنها بر روی اوپک است و دوم نظریه‌هایی که مسائل

1. Terry Lynn Carl
2. Shafritz et al
3. Abinger

بازار را بر اساس توسعه بورس‌های نفتی توضیح می‌دهند.

گروه اول شامل مطالعات اقتصاددانان در دهه ۱۹۷۰ می‌شود که مدل‌های الگوسازی رفتار اقتصادی اوپک از جمله رفتار اوپک به عنوان کارتل را بررسی کرده‌اند. بیشتر مطالعات در این دوره بر مبنای کارتل بودن اوپک شکل گرفت. آنها در مدل‌های خود نقش اوپک را قیمت‌گذار تعریف می‌نمودند و بازار نفت خام در قالب بازار انحصاری یا انحصار چندجانبه بدین صورت که همزمان با فرض کارتل بودن اوپک به عنوان قیمت‌گذار بوده و کشورهای غیراوپک در بازارهای رقابتی در نظر گرفته می‌شدند.

سالانت (۱۹۷۶)^۱ بازار نفت را به دو حوزه اوپک و غیر اوپک تفکیک کرد، بدین صورت که اوپک را به شکل کارتل و کشورهای غیراوپک را در چارچوب بازار رقابتی در نظر گرفته است و تولید کشورهای غیراوپک را وابسته به حجم سرمایه‌گذاری می‌داند و نتیجه می‌گیرد که نرخ بهره در میزان استخراج ذخایر نفت خام، اثر تعیین‌کننده‌ای دارد. از یک سو اوپک سطح قیمت را با توجه به عرضه و هزینه‌های تولید غیراوپک تعیین کرده و از سوی دیگر کشورهای تولیدکننده غیراوپک تا جایی تولید می‌کنند که هزینه نهایی کوتاه‌مدت تولید با سطح قیمت اعلام نشده از سوی اوپک برابر شود. وی در مطالعه خود اوپک را یک کارتل قیمت‌گذار در نظر گرفته که در بازار غیررقابتی درصدد است تا سود خود را حداکثر نماید (خلعتبری، ۱۳۷۳: ۵۷). پیندایک (۱۹۷۸)^۲ با برآورد تابع تقاضای اوپک، مسیرهای قیمتی را در دو حالت رقابتی و انحصاری بدست آورده و سپس نشان داده است که مسیر قیمت نفت در شرایط رقابتی نسبت به تغییرات نرخ بهره حساس است. با افزایش نرخ بهره، شیب مسیر قیمتی افزایش یافته، قیمت اولیه ذخایر کاهش یافته و در نتیجه زمان پایان ذخایر سریعتر شروع می‌شود؛ در حالی که در شرایط انحصاری، با افزایش نرخ بهره انحراف خیلی کمی در انتقال مسیر قیمت به وجود آمده و قیمت اولیه انحصاری افزایش یافته که تغییرات آن خیلی جزئی و محدود است. گیلبرت^۳ (۱۹۸۷) فرض کرده است که مسئله کارتل، انتخاب توالی تولیدی بوده که با در نظر گرفتن پاسخ بنگاه‌های رقابتی (گروه حاشیه‌ای) نسبت به قیمت اعلام شده از سوی کارتل، منافع آن را به حداکثر می‌رساند. وی الگوی ساختار تعادلی را در نظر گرفته که در آن کارتل مانند تولید

1. Salant
2. Pindyck
3. Gilbert

کننده رهبر در الگوی استاکلبرگ عمل می‌کند. گیلبرت نیز مثل سالانت بر این باور است که اوپک نقش رهبری قیمت استاکلبرگ را در بازار نفت ایفا کرده و سپس تولید کنندگان غیراوپک با توجه به قیمت تعیین شده از سوی اوپک، سود خود را حداکثر می‌کنند. تولید کنندگان اوپک نیز با لحاظ کردن اختلاف بین تقاضای جهانی نفت خام از تولید کشورهای غیر اوپک، میزان استخراج نفت خود را در سطحی قرار می‌دهد که کل تولید آنها از ظرفیت قابل بهره‌برداری بیشتر نگردد (خلعتیری، ۱۳۷۳). آدلمن نیز مانند گریفین و نیسلون^۱، عربستان را عامل اصلی تعیین قیمت سبد نفتی اوپک می‌داند و معتقد است دلیل این امر، ضعف کارتل چندجانبه اوپک به علت اختلافات سیاسی و عدم تجانس اقتصادی اعضای اوپک می‌باشد. آدلمن رفتار واقعی اوپک را در چارچوب کارتلی توصیف می‌کند که بسته به موقعیت بازار، بین دو مدل بنگاه مسلط (مدل گیلبرت) و سهمیه‌بندی بازار (آدلمن)، تغییر رویه می‌دهد (آدلمن، ۱۹۸۰: ۱۲۰).^۲ مبرو^۳ نیز درباره قدرت اوپک خوش‌بین است و پیشنهاد می‌کند اوپک مجدداً در راستای کنترل قیمت‌ها گام بردارد. وی فقدان سیاست قیمت‌گذاری در اوپک را به عنوان دلیل از دست دادن کنترل بازار عنوان می‌کند. مبرو نیز مانند آدلمن تولید را یک ابزار برای تنظیم قیمت بازار می‌داند. به اعتقاد وی اوپک می‌تواند با ایجاد ارتباط بین سطح تولید خود و قیمت نفت برنت یا WTI کنترل بازار را بدست گیرد (مبرو، ۱۹۹۸: ۶۷).

نظریات اقتصادی فوق را از رویکرد دیگر، می‌توان به صورت ذیل جمع‌بندی نمود (کافمن،

۲۰۱۰).^۴

عوامل بنیادی

بطور کلی می‌توان گفت که عوامل بنیادی تاثیرگذار بر بازار، عواملی را شامل می‌گردند که ریشه در صنعت نفت داشته و بطور مستقیم مرتبط با مسایل بازار نفت باشد و در نهایت عرضه و تقاضای نفت را تحت تاثیر قرار دهند. این عوامل به طور کلی بدین شرح می‌باشند: وضعیت تقاضای جهانی نفت خام، تغییرات و اختلالات در عرضه جهانی نفت خام، وضعیت رشد اقتصادی، ظرفیت مازاد تولید و ... همان طور که ملاحظه می‌گردد، متغیرهای متفاوتی را

1. Griffin & Neilson
2. Adelman
3. Mabro
4. Kaufmann

می‌توان بعنوان عوامل بنیادی اثرگذار بر قیمت‌های نفت خام عنوان کرد. به طور کلی می‌توان گفت که این عوامل به نوعی می‌توانند منجر به بروز اختلال در روند عادی عرضه و یا تقاضای نفت خام گردیده و از این طریق بر قیمت‌های نفت خام اثرگذار باشند. به طور مثال هر عاملی که منجر به کاهش عرضه نفت خام‌های ترش گردد، نظیر کاهش سقف تولید اعضای اوپک که بخش عمده‌ای از نفت خام‌های ترش توسط اعضای این سازمان تولید می‌شود، منجر به افزایش قیمت این نفت خام‌ها و یا کاهش اختلاف قیمت بین آنها و نفت خام‌های شیرین می‌گردد و برعکس. بالا بودن سطح ذخیره‌سازی‌ها منجر به عدم تمایل به خرید بیشتر و در نتیجه سطح قیمت پائین‌تر می‌گردد. چرا که در این حالت، خرید نفت خام توسط مصرف‌کنندگان، به حالتی اختیاری تبدیل می‌شود، در حالیکه در وضعیت پایین بودن سطح ذخیره‌سازی‌ها، خرید برای خریداران به حالتی اجباری تبدیل شده که این به معنی تقاضای بالقوه بیشتر و قیمت‌های بالاتر است. بدیهی است که این عوامل دارای اثرات یکسان و مشابه نبوده و متناسب با نقش خود از ضریب تاثیرگذاری متفاوتی نیز برخوردارند. به عبارت دیگر برخی از عوامل یاد شده نظیر تغییرات در عرضه و تقاضا و رشد اقتصادی را می‌توان جزء عوامل اصلی و برخی دیگر را در زمره عوامل فرعی قلمداد نمود.

عوامل غیربنیادی

عوامل غیربنیادی موثر در بازار نفت به عواملی اطلاق می‌گردند که در عمل، منشا و بروز آنها خارج از صنعت نفت بوده اما به تناسب شرایط می‌توانند بر قیمت‌های نفت خام حتی گاه بیش از عوامل بنیادی نیز اثرگذار باشند. از جمله می‌توان این موارد را ذکر نمود: اقدامات سفته‌بازی برای کسب سود بیشتر در بازارهای نفتی بورس، تغییرات در نرخ تسعیر، وضعیت بورس سایر کالاها و بروز اعتصاب، جنگ و غیره که موجب اختلالات در عرضه نفت می‌گردند.

با توجه به مجموعه عوامل یاد شده ملاحظه می‌گردد که عوامل بسیاری را می‌توان در بازار نفت خام موثر دانست، در حالیکه چنین وضعیتی معمولاً در مورد کالاهای دیگر مشاهده نمی‌گردد. این وضعیت از آنجا نشأت می‌گیرد که بطور کلی و بر اساس نظریه کلاسیک بازار،

قیمت یک کالا در بازار رقابت کامل یعنی در حالتی که اطلاعات کامل از مقدار دقیق و زمان تولید کالا در بازار وجود داشته و عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان متعدد مانع از بروز اختلالات قیمتی می‌گردند، با توجه به هزینه‌های نهایی تولید آن کالا و در حالت تعادل عرضه و تقاضا برای آن، تعیین می‌گردد (پیندایک، ۱۹۸۷).

در مجموع، راهبرد سیاست‌مداران امریکا برای تحقق اهداف این کشور در بازار نفت در دهه گذشته، بیشتر از طریق عوامل غیر بنیادین نظیر بورس‌های نفتی بوده است تا عوامل بنیادین؛ آنها با تحت تاثیر قرار دادن بازارهای سرمایه، بازار نفت را کنترل و اهداف خود را در بازار نفت محقق می‌سازند. این در حالی است که راهبرد ترامپ، مقابله با اوپک (به عنوان سازمانی برای تنظیم بازار نفت) بوده و به نظر می‌رسد کارایی سازمان مذکور نیز در این دوره زمانی برای تنظیم بازار نفت تا حدودی کاهش یافته است. در این مقاله با استفاده از رویکرد کارل که مبتنی بر ترکیب مولفه‌های اقتصادی و سیاسی می‌باشد، کانال‌های اثرگذاری راهبردهای ترامپ در حوزه انرژی بر بازار نفت ایران بررسی می‌شود. بر اساس مفاهیم ذکر شده، مولفه‌های اقتصادی مربوط به حوزه عرضه و تقاضای نفت در چارچوب عوامل بنیادین و مسائل سیاسی در حوزه عوامل غیر بنیادین مورد تجزیه تحلیل قرار می‌گیرد که در این صورت می‌توان ترکیب عوامل بنیادین و غیر بنیادین (ارتباط عوامل سیاسی و اقتصادی) در تحلیل کانال‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

الف- سیاست‌های انرژی ترامپ

ترامپ که در زمره جمهوری خواهان قرار دارد توجه چندانی به مسائل زیست محیطی نداشته و به جای آن، بر سیاست استقلال انرژی تأکید دارند. یکی از مهم‌ترین اسنادی که می‌تواند دیدگاه جمهوری خواهان را در ارتباط با مسائل حوزه انرژی مشخص سازد، برنامه‌ای است که این حزب در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ ارائه نموده است. برخی از مفاد این برنامه، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی را که حزب جمهوری خواه در حوزه انرژی عنوان نموده، عبارتست از:

* استقلال انرژی؛

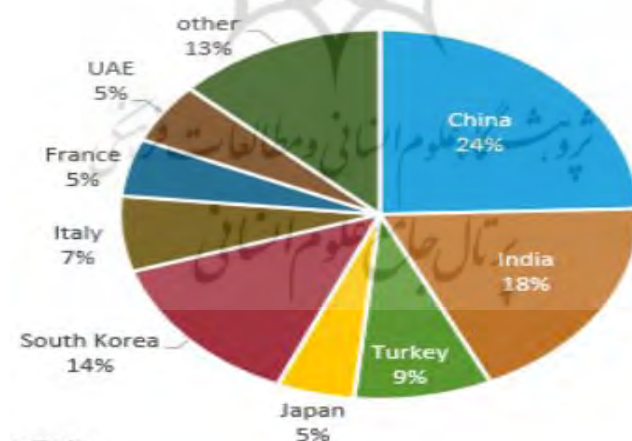
* توسعه تولید نفت و گاز در مناطق قطبی و فلات قاره؛

* مخالفت با سیاست‌های اجباری کنترل انتشار کربن؛

* ارائه مشوق‌های مالیاتی برای تولید انرژی.

ب- بازارهای نفت خام ایران

بازارهای نفت خام ایران به سه گروه اصلی تقسیم می‌گردد: بازار آسیا، مدیترانه و شمال غرب اروپا. مهمترین بازار مشتریان آسیایی ایران عبارتند از: چین، هند و کره جنوبی. کشورهای یونان، اسپانیا، ترکیه و ایتالیا از مشتریان بازار مدیترانه کشور می‌باشند. بازار شمال غرب اروپا نیز شامل هلند و فرانسه است. میزان صادرات نفت و میعانات نفتی ایران در سال ۲۰۱۷ (قبل از وضع مجدد تحریم‌های نفتی توسط ترامپ) به طور متوسط ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود که این حدود ۲۰۰ هزار بشکه بیشتر از میانگین سال ۲۰۱۶ است. در سال ۲۰۱۷ چین و هند حدود ۴۳ درصد از کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده‌اند و ترکیه و کره جنوبی در طول این سال حجم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. شکل (۱) سهم بازارهای نفت ایران را به تفکیک کشورها نشان می‌دهد.



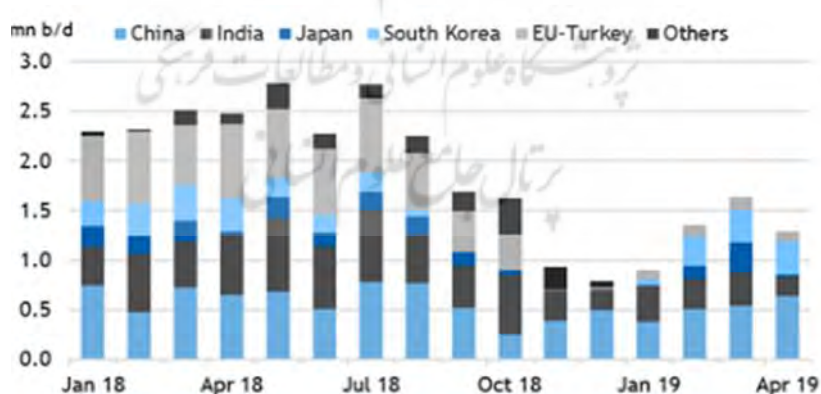
شکل ۱- بازارهای صادرات نفت خام ایران به تفکیک کشور در سال ۲۰۱۷

منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در ژوئن سال ۲۰۱۸ به حدود ۲/۷ میلیون بشکه در روز رسید که این میزان حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بیشتر از میانگین چهار ماه اول این سال (قبل از اعلام تحریم‌های ماه مه) است. این در صورتی است در ماه سپتامبر صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران به ۱/۹ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. این روند نزولی صادرات نفت در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ ادامه یافت به طوری که رقم آن به پایین‌ترین سطح خود رسیده است (آرگوس، ۲۰۱۹).

پ- کانال‌های اثرگذاری برنامه‌های انرژی ترامپ بر بازار نفت ایران بررسی وضعیت تولید و چشم‌انداز صادرات نفت خام ایران ناشی از تأثیرات خروج آمریکا از برجام در آوریل ۲۰۱۸

با توجه به خروج ترامپ از برجام و برگشت وضعیت ایران به حالت قبل از برجام، میزان صادرات نفت کشور به کمتر از میزان قبل از مذاکرات هسته‌ای برگشته و امنیت بازارهای نفت ایران را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است. تحریم‌های اعمالی در چارچوب عوامل غیر بنیادین امنیت بازار نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همانطور که در نمودار یک ملاحظه می‌گردد، صادرات نفت خام و میعانات گازی کشور بعد از اعمال تحریم مجدد، افت قابل ملاحظه‌ای را تجربه نموده است. مهم‌ترین مشتریان نفتی ایران چین و ترکیه و در میعانات گازی کره جنوبی در آوریل ۲۰۱۹ بوده‌اند.



نمودار ۱- روند تغییر میزان صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در مناطق مختلف جهان

منبع: آرگوس

از زمان عدم تمدید معافیت شش ماهه خرید نفت ایران به مشتریان توسط دونالد ترامپ با هدف حذف نفت خام ایران از بازار، انتظارات متفاوتی در بازار شکل گرفته است. برایان هوک نماینده ویژه وزارت امور خارجه ایالات متحده در امور ایران، تأثیر این اقدام آمریکا بر قیمت‌های جهانی نفت را اندک خواند. وی در آستانه سالگرد خروج کشور از برجام، وضعیت بازار نفت را دارای ثبات و میزان عرضه مطلوب ارزیابی نمود که بخشی از این عرضه نفت را آمریکا تامین می‌نماید. در نتیجه قیمت نفت خام‌های شاخص نظیر برنت و اکنتس کمتری نسبت به تحریم نفتی ایران داده است. در این ارتباط انتظار می‌رود، همپیمانان آمریکا نظیر عربستان و امارات متحده عربی کاهش میزان نفت خام ایران را جبران کنند اما زمان آن هنوز نامشخص است. لازم به ذکر است، بر اساس برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا در گزارش ماهانه چشم‌انداز انرژی ماه مه، عربستان سعودی، امارات، کویت و روسیه در جبران کمبود نفت ایران، حجم تولید نفت خام خود را افزایش خواهند داد. ضمن اینکه ایالات متحده آمریکا نیز حجم تولید نفت خود را طی سال ۲۰۲۰ به رکورد ۱۳/۳۸ میلیون بشکه در روز خواهد رساند (پلاتس، ۲۰۱۹). بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا ۱، مقدار متوسط تولید جهانی نفت خام به استثنای ایران، در فوریه-مارس سال ۲۰۱۹ را ۹۴/۵ میلیون بشکه و مصرف را ۹۷ میلیون بشکه در روز برآورد کرده است. مقدار کمبود ۷۰۰ هزار بشکه بیشتر از گزارش قبلی این اداره در دو ماهه دسامبر-ژانویه است (آرگوس، ۱۲ آوریل). جدول (۱) تأثیر تحریم ایران بر بازار نفت را نشان می‌دهد و با توجه به برنامه کاهش تولید کشورهای اوپک و هم‌پیمانانشان و اختلالات عرضه در ونزوئلا و تحریم‌های آمریکا بر شرکت دولتی نفت این کشور را از دیگر دلایل کمبود عرضه نفت در بازار می‌داند.

جدول ۱- تأثیر کمبود نفت ایران بر بازار جهانی

تراز جهانی نفت			
میلیون بشکه در روز	فوریه	مارس	متوسط فوریه/مارس
عرضه	۱۰۰/۳	۱۰۰/۱	۱۰۰/۲
تقاضا	۱۰۱/۸	۱۰۰/۸	۱۰۱/۳
عرضه نفت ایران	۳/۶	۳/۵	۳/۶
تقاضای نفت ایران	۲/۰	۲/۰	۲/۰
عرضه و تقاضای جهانی (منهای ایران)			
عرضه	۹۴/۷	۹۴/۴	۹۴/۵
تقاضا	۹۷/۶	۹۶/۴	۹۷
عرضه منهای تقاضا	-۲/۹	-۲/۰	۲/۴
تغییر خالص در ذخایر	۱/۵	۰/۷	۱/۱
ذخایر OECD (م ب)	۲۸۴۷	۲۸۲۹	۲۸۳۸
ظرفیت تولید مازاد اوپک	۱/۹	۲/۲	۲/۱

منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

سیاست‌های ترامپ که منطبق با سیاست حزب جمهوریخواه آمریکا می‌باشد و سهام‌داری آنها در شرکت‌های نفتی و منافع نهایی دولت آمریکا از معاملات نفتی و نظامی با کشورهای تولیدکننده نفت خام در منطقه، گسترش تولید نفت و گاز این کشور و همچنین افزایش صادرات آنها به بازارهای بین‌المللی را به دنبال دارد. در مقابل، کشورهای عضو اوپک از نوامبر ۲۰۱۶ در جهت تعادل در بازار و تثبیت قیمت‌ها تولید خود را کاهش دادند این در حالی است که آمریکا نیز از فرصت پیش آمده استفاده نموده و بازارهای کشورهای عضو اوپک در آسیا نظیر چین، هند، ژاپن و کره جنوبی را مورد هدف خود قرار داده است. البته این کشور نفت شیل (تایت اوایل^۱ - نفت شیرین) را به مصرف داخلی می‌رساند و در مقابل نفت خام‌های ترش خود را به این کشورها صادر نموده است. همانطور که در نمودار (۲) ملاحظه می‌شود، صادرات نفت خام آمریکا در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال‌های گذشته افزایش قابل توجهی داشته که با توجه به رشد صادرات، این کشور بیشتر بازارهای کشورهای عضو اوپک را از آن خود نموده است.

1. Tight Oil



نمودار ۲- روند صادرات نفت آمریکا به بازارهای بین‌المللی طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۲۰ (واحد میلیون بشکه در روز)
منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

ذکر این نکته حائز اهمیت می‌باشد که حجم زیادی از نفت خام‌های تولیدی اوپک از نوع نفت خام‌های ترش بوده که با کاهش حجم تولید نفت این سازمان، مشتریان آسیایی درصدد تأمین نفت خام ترش مورد نیاز خود از سایر کشورها نظیر آمریکا می‌باشند. به علاوه، فاصله قیمتی نفت خام شاخص بازار اروپا (برنت) با نفت خام آمریکا (وست تگزاس اینترمدیت)، نیز باعث افزایش تمایل مشتریان آسیایی برای خرید انواع نفت خام‌های آمریکا گردیده است چراکه سیستم قیمت‌گذاری بسیاری از اعضای اوپک تابع قیمت نفت خام برنت است. ایران در تحریم‌های اعمالی در سال ۲۰۱۲ در حوزه‌های فروش نفت و بیمه محموله‌های نفتی، حوزه بانکی و مالی مورد هدف قرار گرفت و اساساً چارچوب این تحریم‌ها، فروش نفت خام و درآمدهای نفتی ایران را تحت تاثیر شدید قرار دادند، به طوری که تمرکز این تحریم‌ها بر بازراندگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز منطقه آسیا از هرگونه خرید و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی از ایران بوده است.

برخی دیگر از تحلیلگران نظیر وزیر انرژی روسیه، وضعیت بازار جهانی نفت را بسیار شکننده و بی‌ثبات می‌دانند. تحریم‌های آمریکا علیه ایران بی‌ثباتی و ناامنی گسترده‌ای به بازارهای جهانی تحمیل کرده است. کاهش میزان ذخیره‌سازی‌ها به میانگین ۵ ساله و همچنین افزایش بهای جهانی نفت تا یک سطح مطلوب، توازن مجددی را در بازار طی دو سال اخیر به

وجود آورد اما در شرایط فعلی به دلیل موقعیت ایران، بازار نفت بسیار متزلزل و شکننده می‌باشد. با اینکه سرمایه‌گذاری‌های جهانی به صنعت نفت بازگشته اما هنوز برخی کشورها نتوانسته‌اند به سطح تولید قبلی بازگردند؛ در این مورد می‌توان بطور خاص از کشور ونزوئلا نام برد. با توجه به نامشخص بودن چگونگی عملکرد مشتریان نفت ایران در شرایط تحریم (که روزانه ۲ میلیون نفت از این کشور خریداری می‌کردند)، وضعیت بازار جهانی نفت در حال حاضر درگیر ناامنی و بی‌ثباتی شدیدی می‌باشد. با تحریم‌های آمریکا علیه ایران از ماه نوامبر، برخی کشورها نظیر کره جنوبی و ژاپن با هدف هماهنگی با تحریم‌های مذکور، حجم برداشت نفت خام ایران را کاهش داده‌اند اما چین اعلام کرده است که همچنان به خرید نفت ایران ادامه خواهد داد (جی بی سی، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان دو محدودیت ذیل را برای تولید و صادرات نفت کشورمان در نظر گرفت:

الف- اعمال محدودیت برای صادرات نفت ایران به آسیا

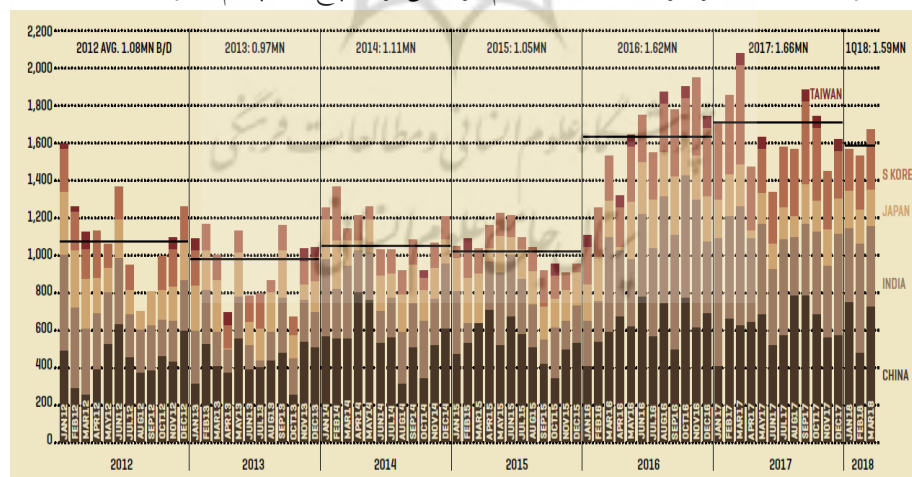
چین بزرگترین مشتری سنتی نفتی ایران در این بازار بوده که در تلاش برای دور زدن بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. یکی از انگیزه‌های چین برای دور زدن تحریم‌ها، اختلافات تجاری آمریکا و این کشور می‌باشد. رئیس‌بخش امنیت انرژی شورای مشورتی روابط خارجی آمریکا در مورد تحریم آمریکا و نقش چین می‌گوید که چینی‌ها در تحریم آمریکا علیه ایران همکاری نخواهند کرد، مگر اینکه دولت ترامپ به آنها امتیاز ویژه‌ای بدهد. جنگ تجاری فعلی ما بین دو کشور می‌تواند بستر این امتیاز باشد. اختلاف آمریکا و چین در مورد نرخ تعرفه بر فولاد و آلومینیوم، گفتگوها در مورد خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی و اختلاف در مورد کنترل دریای چین جنوبی، همگی بر چگونگی و میزان همراهی چین با آمریکا در مورد تحریم ایران اثرگذار خواهند بود و وجود مسائل متعدد مابین دو کشور، درک سیاست چین در همراهی با آمریکا در قبال ایران را مشکل کرده است. حجم واردات نفت خام چین از ایران در بالاترین و کمترین سطح خود به ترتیب حدود ۸۷۴ هزار بشکه در روز در ماه اوت سال ۲۰۱۸ و ۲۰۰ هزار بشکه در روز در اکتبر سال ۲۰۱۸ بوده است (پلاتس، ۲۰۱۹).

اعمال فشارهای آمریکا از طریق تحریم‌های فروش نفت ایران در بازار آسیا (مهم‌ترین

بازارهای آسیا، شامل چین، هند، کره جنوبی و ژاپن) منجر به کاهش سهم صادرات به این منطقه شده است. بازگشت تحریم‌ها با توجه به وجود مازاد عرضه نفت کافی در بازار، هیچ‌گونه اثر بلندمدتی بر روی قیمت نفت خام نخواهد داشت؛ بلکه فقط با اثر روانی کوتاه‌مدت در بازار، قیمت را تا حدودی افزایش می‌دهد. در این حالت، برای مهمترین رقبای ایران (عربستان، روسیه، عراق و ...) نیز که به دنبال سهم بیشتر بازار خود در آسیا می‌باشند، فرصت مناسبی ایجاد خواهد شد چراکه نفت خام‌های ترش بصره عراق، اورال روسیه (نفت خام ترش روسیه) و نفت خام‌های ترش آمریکا از نفت خام‌های رقیب ایران در این بازار می‌باشند. این فرصت برای عربستان که جایگاه پیشین خود را در بازار آسیا بویژه چین ندارد و در زمره هم‌پیمانان آمریکاست، بسیار مهم می‌باشد (مارکت واچ، ۲۰۱۹).

لازم به ذکر است کشورهای عضو اوپک که اخیراً تولید نفت خام خود را کاهش دادند، ظرفیت جبران اختلال احتمالی صادرات نفت خام ایران را خواهند داشت. یکی از مهمترین استراتژی‌های ایران برای فروش بیشتر نفت خام، ارائه تخفیف عمدتاً بر روی کرایه حمل به مشتریان آسیایی می‌باشد و ممکن است در برخی کشورها به سهم بازار ایران کمک کند. افزایش معاملات پایاپای و دوجانبه، همانند توافق اخیراً با هند هم یکی دیگر از برنامه‌های ایران است.

نمودار ۳- روند تغییر میزان صادرات نفت خام ایران طی برنامه پنج ساله پنجم تاکنون (به آسیا)



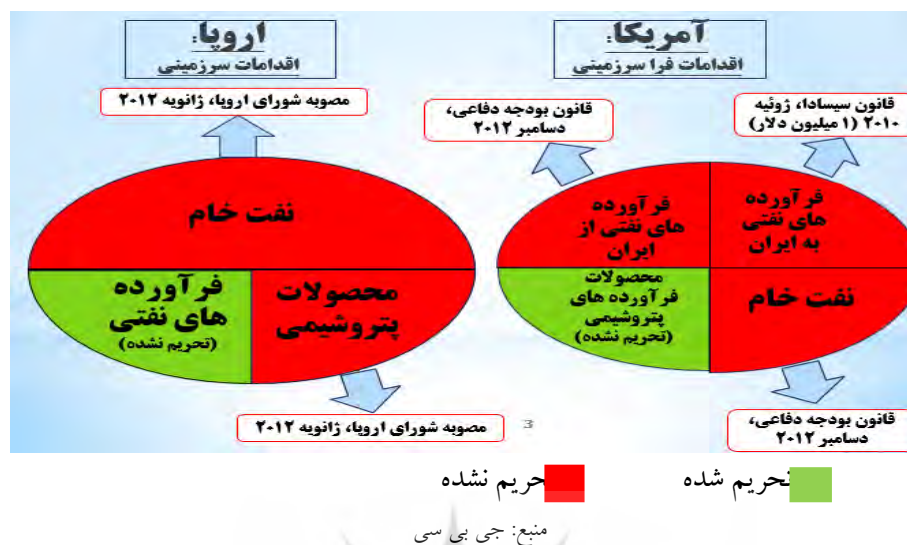
منبع: نشریه میس مارس ۲۰۱۸

به همین دلیل تامین نفت خام مورد نیاز این کشورها با مشخصات نفت خام ایران علیرغم تلاش برخی کشورها برای جایگزین نمودن نفت خام خود به جای نفت ایران، تاحدودی دشوار به نظر می‌رسد، ضمن اینکه این کشورها مبادلات تجاری وسیعی با ایران داشته که کاهش سطح روابط تجاری متقابل از نظر اقتصادی به صرفه نخواهد بود.

ب- اعمال محدودیت برای صادرات نفت خام ایران به اروپا

اروپا حدود ۳۰ درصد از کل بازار صادراتی نفت خام ایران معادل روزانه حدود ۶۳۰ هزار بشکه نفت خام را تشکیل می‌داده است که با توجه به پایداری بیشتر شرکت‌های اروپایی به تحریم‌های وضع شده، در حال حاضر واردات نفت آنها از کشور قطع گردیده است. بر این اساس پالایشگاه‌های اروپایی برای تحریم‌های جدید آمریکا علیه نفت ایران چاره‌جویی می‌کنند. خریداران اصلی نفت خام ایران در بازار اروپا با توجه به برگشت تحریم در بخش‌های نفت، انرژی، کشتیرانی و بیمه مشمول این تحریم هستند و کشورهای عراق و عربستان در اولویت نخست برای جایگزینی ایران در این بازار می‌باشند (پلاتس، ۲۰۱۸).

کاهش صادرات نفت خام ایران به اروپا در نتیجه بازگشت تحریم‌ها به نفع صادرکنندگان نفت خام آمریکایی خواهد بود که در حال افزایش سهم بازارشان هستند. مهم‌ترین تحریم‌های حوزه نفت توسط اروپا عبارتند از: ممنوعیت واردات از ایران (به اروپا)، ممنوعیت خرید از ایران (توسط شرکت‌های اروپایی)، ممنوعیت حمل و نقل (توسط شرکت‌های اروپایی)، ممنوعیت تأمین مالی (توسط شرکت‌های اروپایی) و ممنوعیت بیمه (توسط شرکت‌های اروپایی). در شکل (۱) می‌توان وضعیت تحریم‌های قبل از برجام (توسط آمریکا و اروپا) را مشاهده نمود.



با خارج شدن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای؛ اعمال محدودیت در زمینه مبادلات شرکت‌ها در حوزه نفت، پتروشیمی، سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی نفت، بنادر، کشتیرانی و کشتی‌سازی و بانک مرکزی ایران افزایش یافته است. از آنجایی که دولت‌های اروپایی در خصوص فعالیت شرکت‌های بخش خصوصی اروپایی نمی‌توانند مداخله نموده و به دلیل روابط اقتصادی بسیار بالای شرکت‌های اروپایی با آمریکا، ادامه همکاری با ایران شامل اعمال جریمه و توقف فعالیت تجاری با شرکت‌های آمریکایی می‌گردد، لذا عملاً بدون اخذ معافیت از تحریم‌های آمریکا بر شرکت‌های اروپایی، ادامه فعالیت این شرکت‌ها علی‌رغم تاکیدات کشورهای اروپایی دور از انتظار خواهد بود و امکان صادرات نفت ایران به بازارهای از دست رفته اروپا که در دوران پساجام، توفیقاتی برای بازپس‌گیری آن‌ها حاصل شده بود، کاهش می‌یابد. همچنین، در صورت اعمال فشار آمریکا به کشورهای اروپایی در جهت منع انعقاد قرارداد خرید نفت از ایران، فرصت‌هایی برای روسیه و عراق ایجاد خواهد شد. به علاوه مشتریان منطقه مدیترانه گرچه به دلیل آشنایی بیشتر با ویژگی‌های نفت وارداتی از ایران در مراکز پالایشی خود، تاکنون نسبت به سایر رقبا به واردات نفت از ایران تمایل بیشتری از خود نشان داده‌اند، ولی دچار تردید در خرید نفت خام ایران هستند. در این راستا همچنین برخی از

شرکت‌های نفتی خارجی نظیر شرکت ملی نفت چین^۱ نیز با خروج شرکت اروپایی نظیر شرکت توتال که دارای قرارداد در فاز ۱۱ پارس جنوبی بود، از ادامه همکاری انصراف داد. لذا عملاً بدون اخذ معافیت از تحریم‌های احتمالی آمریکا بر شرکت‌های اروپایی، ادامه فعالیت این شرکت‌ها علی‌رغم تاکیدات کشورهای اروپایی مبنی بر ادامه پابندی به مفاد توافق هسته‌ای دور از انتظار خواهد بود. البته اتحادیه اروپا در راستای تسهیل روابط مالی ایران با سایر کشورهای اتحادیه اروپا ایجاد یک نظام مالی شبیه سوئیفت بر مبنای ارز یورو را در دست اقدام دارد که این موضوع نیز تاکنون توسط این کشورها محقق نگردیده است.

سیاست‌های دولت آمریکا برای مقابله با اعضای اوپک

الف- کسب سهم بازار اعضای اوپک در بازار آسیا توسط ترامپ

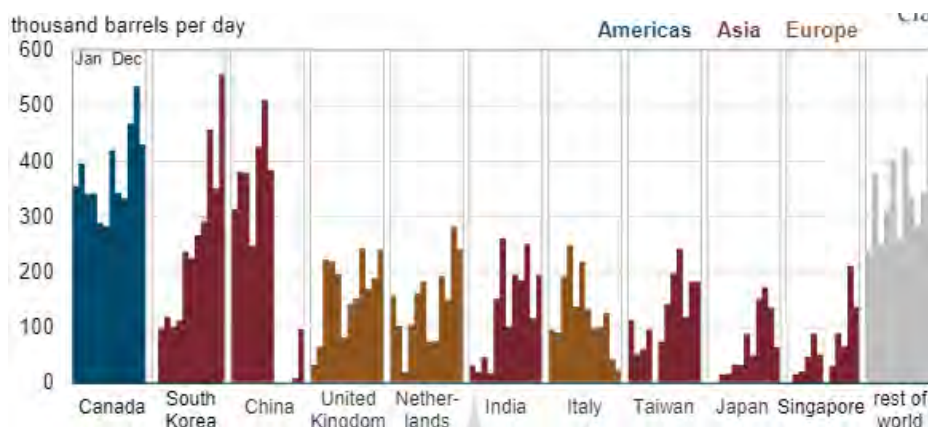
شرکت‌های تولیدکننده نفت در آمریکا درصدد استفاده از شرایط بازار (افزایش قیمت نفت خام‌های ترش) می‌باشند. از دلایل اتخاذ این تصمیم می‌توان به این مورد اشاره نمود که نفت خام متوسط ترش مارس^۲ آمریکا تحت تأثیر افزایش جذابیت صادرات آن بویژه در بازار آسیا قرار دارد که عمدتاً تقاضای آن به دلیل کاهش حجم تولید نفت تولیدکنندگان اوپک در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ افزایش یافته است.^۳ قیمت نفت خام‌های ترش علی‌رغم داشتن هزینه‌های پالایشی بالاتر نسبت به نفت خام‌های شیرین افزایش یافته است. این امر ناشی از توافق اخیر اعضای اوپک و سیاست‌های دولت فعلی آمریکا می‌باشد. کاهش حجم تولید نفت کشورهای عضو اوپک که سهم عمده آن را نفت خام ترش شکل می‌دهد، افزایش قیمت این نوع نفت خام‌ها را به دنبال داشته است. از سوی دیگر سیاست‌های ترامپ مبنی بر گسترش تولید نفت شیل (نفت خام شیرین) موجب افزایش عرضه و در نتیجه کاهش قیمت نفت خام‌های شیرین گردیده است. همچنین شرکت‌های تولیدکننده در آمریکا نیز در تلاش برای تخصیص نفت خام‌های شیرین در داخل و صادر نمودن نفت خام‌های ترش جهت کسب سهم کشورهای عضو اوپک در بازار آسیا می‌باشند (آرگوس، ۲۰۱۹). در این راستا، چین، هند و کره جنوبی از مهمترین بازارهای آسیا که بازار هدف اعضای اوپک نیز می‌باشند، در سال ۲۰۱۸ از بازارهای

1. CNPC

2. Mars

۳. بیشتر نفت خام‌های تولیدکنندگان اوپک از نوع نفت خام‌های ترش می‌باشند.

مهم صادراتی نفتی این کشور بوده‌اند که این امر در نمودار (۴) مشاهده می‌شود.



نمودار ۴- میزان صادرات ماهانه نفت خام آمریکا به بازارهای مختلف در سال ۲۰۱۸ (واحد هزار بشکه در روز)
منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

ارزش نفت خام شاخص آمریکا نسبت به برنت در سال ۲۰۱۸ حدود دو تا شش دلار کمتر بوده که این امر یکی از مشوق‌های مشتریان آسیایی ایران برای واردات نفت مورد نیاز خود با توجه به ارزانی این نفت خام‌ها نسبت به نفت خام‌های تولیدکنندگان اوپک آمریکا بوده است. به عنوان نمونه شرکت نفت هندی بهارات پترولیوم^۱ برای اولین بار نفت خام‌های ترش مارس و پوزیدون^۲ آمریکا را طی یک مزایده خریداری نمود. شرکت هندی نفت بهارات دومین پالایشگر هندی است که در راستای سیاست‌های راهبردی ترامپ مبنی بر گسترش صادرات بیشتر فرآورده‌های این کشور، حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز (شامل نفت خام‌های فوق برای تحویل در فاصله ۲۶ سپتامبر تا ۱۰ اکتبر) را در ژانویه سال ۲۰۱۷ از آمریکا خریداری کرد. قیمت محموله‌های نفت خام آمریکا با توجه به قابلیت رقابتی آنها با نفت خام‌های با درجه سولفور بالا در خاورمیانه کاهش یافته است. لازم به ذکر است که پالایشگران هندی در حال متنوع‌سازی واردات نفت خام با جایگزین‌های ارزانتر آن، علی‌رغم کاهش حجم عرضه نفت اعضای اوپک و برخی از تولیدکنندگان غیر عضو این سازمان و به تبع آن تقویت قیمت نفت خام می‌باشند. سهم واردات هند از نفت خام‌های خاورمیانه به کمترین سطح خود از اکتبر ۲۰۱۵

1. BPCL
2. Poseidon

تاکنون رسیده، در حالی که واردات آن از آمریکای جنوبی، آفریقا و روسیه افزایش یافته است (روترز، ۲۰۱۷).^۱

ب- راهبرد مقابله مستقیم ترامپ با اوپک

تحریم صنعت نفت ونزوئلا

تحریم‌های آمریکا علیه ونزوئلا تأثیر محدودی بر قیمت جهانی نفت خام گذارده است که دلیل آن تعدیل میزان تولید و مصرف نفت خام پالایشگاه‌های آمریکا می‌باشد. این در صورتی است که پالایشگران خلیج آمریکا که متکی به واردات نفت خام از ونزوئلا بودند، به دنبال نفت خام‌های سنگین جایگزین مانند نفت خام کانادا می‌باشند. تحریم نفت خام ونزوئلا موجب کاهش اندکی در حاشیه سود پالایشگاه‌هایی که نفت خام مذکور را استفاده می‌نمودند شده است چرا که این پالایشگران اقدام به تأمین نفت خام مورد نیاز خود از منابع دیگر نموده‌اند. البته به نظر می‌رسد که اگر با ادامه روند تحریم ونزوئلا، عرضه نفت خام سنگین به شدت کاهش یابد، قیمت آن با افزایش روبرو خواهد شد (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۹). البته در صورتی که اثر این تحریم‌ها طوری باشد که منجر به توقف کامل تولید نفت خام ونزوئلا گردد در این صورت دیگر مشکل، توقف صادرات به پالایشگاه‌های آمریکا نیست و مشکل بزرگتری به عنوان عدم دسترسی سایر نقاط دنیا به نفت ونزوئلا پیش می‌آید. در اینصورت به دلیل کمبود عرضه، قیمت نفت خام سنگین به شدت افزایش خواهد یافت و حتی این موضوع منجر به تغییر ساختار قیمت‌گذاری در حوزه نفت می‌گردد. اما چنانچه کمبود عرضه با آزادسازی بخشی از ذخیره‌سازی‌های استراتژیک آمریکا و همچنین افزایش عرضه اوپک جبران گردد، تغییرات قیمت نفت خام نسبتاً کم خواهد بود. لازم به ذکر است که در ادامه تحریم شرکت دولتی نفت ونزوئلا، آمریکا صادرات نفت خام ونزوئلا به کشورش و همچنین صادرات رقیق‌کننده به ونزوئلا را ممنوع اعلام نمود.

تدوین قانون ضد تراست علیه اوپک

عدم تطبیق بعضی از اعضا از جمله روسیه، عراق و نیجریه با سیاست جدید اوپک مبنی بر

1. Reuters
2. Petróleos de Venezuela, S.A. (PDVSA)

کاهش حجم تولید، چالش جدی بر سیاست‌های ترامپ در مورد گسترش تولید نفت شیل می‌باشد؛ چراکه در صورت عدم کاهش تولید این کشورها، بازار همچنان با مازاد عرضه نفت همراه خواهد بود و قیمت بهینه برای اقتصاد آمریکا تأمین نخواهد گردید. در آخرین اجلاس اوپک در وین، اعضای اوپک بر سر کاهش تولید به میزان ۸۱۲ هزار بشکه در روز به توافق رسیدند، به علاوه، ۹ کشور متحد اوپک ۳۸۳ هزار بشکه در روز در شش ماه ابتدایی سال ۲۰۱۹ کاهش تولید دهند (پلاتس، ۲۰۱۹).^۱

در این راستا، با توجه به سیاست‌های متناقض اوپک با سیاست‌های آمریکا، کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا از دولت ترامپ درخواست نمود تا از لایحه‌ای که به وزارت دادگستری ایالات متحده اجازه می‌دهد از اوپک بخاطر نقض قوانین آنتی‌تراست^۲ شکایت کند، حمایت نماید. از نظر کمیته فوق، این مسئله که اوپک برای رفتار ضدرقابتی خود پاسخگو نیست، موجب بیهوده انگاشته شدن قوانین آنتی‌تراست آمریکا می‌شود. تحلیلگران اقتصادی تصویب این قانون را پاسخ منفی به «گروه تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت»^۳ و به منزله یک پیروزی دوجناحی قبل از پایان فعالیت کنگره می‌دانند. یادآور می‌شود قانون ضد اوپک، قانونی است که به آمریکا اجازه می‌دهد قدرت سازمان اوپک را محدود کند و کشورهای عضو اوپک را تحت پیگرد قرار دهد. طبق این قانون، ایالات متحده می‌تواند اقدامات اوپک را که طبق آن سهمیه‌هایی را برای تولیدکنندگان تعیین می‌کند، مورد پیگرد و جریمه قرار دهد، چراکه به گفته آنها، این اقدامات قیمت بنزین را برای مصرف‌کنندگان آمریکایی گران‌تر کرده است. لازم به ذکر است که تولید نفت خام اوپک طی ماه دسامبر با کاهش ۶۳۰ هزار بشکه در روز به ۳۲/۴۳ میلیون بشکه در روز یعنی کمترین میزان در شش ماه اخیر رسیده است. البته بر اساس توافق اعضای اوپک در وین، ۱۱ عضو سازمان اوپک همچنان باید به میزان ۹۵۰ هزار بشکه در روز تولید را کاهش دهند (آرگوس، ۲۰۱۹).^۴

1. Platts

۲. در مجموعه قوانین کسب و کار، قانونی تحت عنوان آنتی‌تراست وجود دارد که به موجب آن، شرکت‌ها موظف می‌شوند رقابتی منصفانه (نتیجه این رقابت به نفع مشتریان است) با یکدیگر داشته باشند (Antitrust).

3. No Oil Producing and Exporting Cartels Act (NOPEC).

4. Argus

راهبرد ترامپ در جهت تقویت روابط با عربستان برای تنظیم بازار نفت و اعمال فشار بر ایران

با توافق اوپک و متحدانش برای کاهش ۱/۲ میلیون بشکه در روز در تاریخ ۷ دسامبر سال ۲۰۱۸ بعد از مذاکرات سخت وین، اعضای اوپک در انتظار توییت ترامپ بودند و در کمال ناباوری هیچ توییتی منتشر نشد. به گفته *الز والد*^۱، یکی از مشاوران نفتی و ارشد شورای آتلانتیک مرکز جهانی انرژی^۲ که در نشست اوپک شرکت کرده بود، بسیاری از شرکت کنندگان منتظر توییتی رعب‌آور از جانب ترامپ بودند ولی چیزی جز سکوت عاید آنها نشد (بلومبرگ، ۲۰۱۸). طی مذاکرات در وین، ارتباط ناآرام عربستان سعودی و آمریکا مشهود بود. بسیاری از ناظران اوپک متعجب بودند که آیا عربستان سعودی که به بودجه بیشتری نیاز دارد، قادر به ایستادگی در برابر تقاضای ترامپ مبنی بر عدم کاهش میزان تولید (آن هم در شرایط نابسامانی که اعضای کنگره آمریکا به دنبال اعمال تحریم‌هایی بر عربستان به دلیل قتل روزنامه‌نگار منتقد این کشور بودند)، خواهد بود یا خیر. اما نشست‌هایی که وزیر انرژی عربستان با مقامات آمریکایی قبل و بعد از نشست وین داشت نشان دهنده این است که هر دو طرف در حال مذاکره در خصوص سیاست‌های نفتی هستند. دیدگاه‌های ترامپ از یک سو به رابطه بلندمدت آمریکا و عربستان تحت عنوان «روابط استراتژیک» که به ۸۵ سال پیش یعنی زمان کشف نفت در عربستان در سال ۱۹۳۸ باز می‌گردد و از سوی دیگر به ضرورت سیاست سختگیرانه دولت ترامپ بر ایران گره خورده است. ترامپ در خلال نشست اوپک در ۵ دسامبر توییتی مبنی بر ضرورت ادامه تولید اوپک و عدم تمایل جهان به افزایش قیمت نفت منتشر کرد. سکوت ترامپ ممکن است به دلیل کوتاه آمدن او بعد از توافق کاهش تولید اوپک باشد. مقامات رسمی دولت ترامپ بیش از آن که نگران تأثیر فوری کاهش تولید اوپک باشند؛ نگران موضع‌گیری اوپک پس از اتمام دوره معافیت از تحریم خریداران نفت خام ایران در ماه مه هستند، زیرا در ماه‌های آینده بازار با ازدیاد عرضه مواجه است و کاهش تولید اوپک قادر به افزایش شدید قیمت نفت خام نخواهد بود. در این زمینه ترامپ در راستای تقویت روابط کشور خود با عربستان واردات نفت خود در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۹ را افزایش داده است که این مسئله در نمودار زیر مشاهده می‌شود.

1. Ellen R. Wald.
2. Global Energy Center - Atlantic Council.



نمودار ۵- روند واردات نفت خام آمریکا از عربستان (واحد بر حسب هزار بشکه در روز)

منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

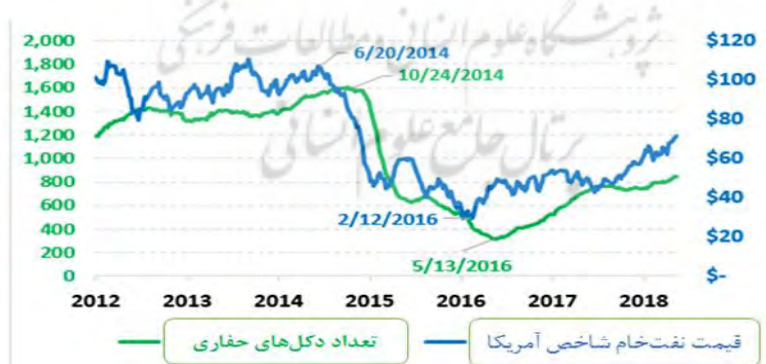
در این ارتباط، آمریکا و عربستان تلاش‌های خود را برای تشدید تحریم ایران افزایش داده‌اند. البته عربستان مخالف اعطای معافیت‌های تحریمی به مشتریان ایران از سوی آمریکا می‌باشد. از طرفی، آمریکا این مسئله را منوط به افزایش تولید عربستان سعودی برای جبران میزان کاهش تولید نفت ایران در بازارهای جهانی دانسته است.

تأثیر راهبرد ترامپ در حوزه انرژی بر قیمت نفت خام ایران

قیمت نفت خام ایران در بازارهای صادراتی کشور تابعی از قیمت نفت خام‌های شاخص در این مناطق می‌باشد و از آنجایی که سیاست‌های دولت آمریکا نظیر تولید نفت شیل اثرات زیادی بر قیمت نفت خام‌های شاخص دارد این مسئله می‌تواند قیمت نفت خام ایران و به تبع آن درآمدهای نفتی کشور را با مشکلات جدی مواجه سازد. در این ارتباط، ایالات متحده نیاز دارد که تعادل مناسبی بین نیاز مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (که شامل تولیدکنندگان نفت شیل آمریکا است) برقرار کند. بنابراین این نکته که آمریکا نیز منافع خودش را در برقراری یک قیمت بهینه دارد، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

سیاست‌های دولت ترامپ در حوزه نفت و گاز به گونه‌ای است که قیمت نفت در بازه بهینه نوسان نماید تا تولیدکنندگان نفت شیل دچار بحران مالی نشوند. تولید نفت شیل آمریکا تابع قیمت نفت خام شاخص این کشور و انتظارات بازار است. در صورتی که قیمت نفت خام

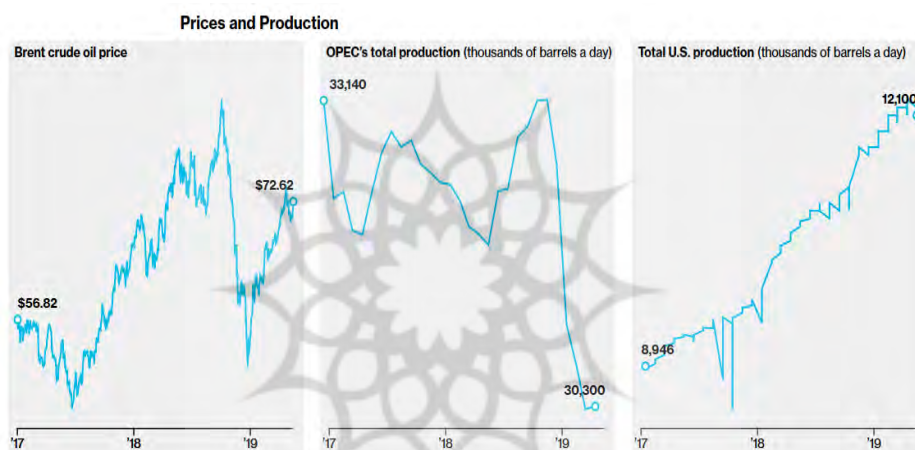
شاخص مذکور رشد یابد، تعداد دکل‌های حفاری فعال نفتی آمریکا افزایش می‌یابد و در نتیجه تولید نفت شیل آن بیشتر می‌شود که این امر بر اساس مبانی نظری در قالب عوامل بنیادین موجب افزایش عرضه نفت شده و مجدداً روند صعودی قیمت نفت را متوقف می‌سازد. در طی سال‌هایی که قیمت نفت خام در سطح ۱۰۰ دلار در بشکه قرار داشت با توجه به هزینه بالای تولید نفت‌های غیرمتعارف (شیل) آمریکا، تحقیق و توسعه افزایش یافته و نهایتاً هزینه تولید نفت شیل را به ۶۰ دلار در هر بشکه طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ کاهش دادند. در دوره زمانی سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ قیمت نفت افت محسوسی یافته و در فاصله قیمتی ۷۰-۶۰ دلار در هر بشکه قرار گرفت. در همین راستا، هزینه‌های تحقیق و توسعه افزایش یافته و در نتیجه هزینه تولید نفت شیل به حدود ۵۰ دلار در هر بشکه رسید. با رشد عرضه نفت، قیمت نفت خام روند نزولی را طی نموده و نهایتاً در ماه مه سال ۲۰۱۶ قیمت ۲۸ دلار در هر بشکه را تجربه کرد (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۷). روند نزولی قیمت، عاملی برای کاهش تعداد دکل‌های حفاری فعال نفتی آمریکا بوده و در نتیجه کاهش تولید نفت را به دنبال داشت. کاهش هزینه تولید نفت با توجه به پیشرفت تکنولوژی، هزینه تولید نفت شیل آمریکا را در بازه ۴۲ تا ۴۵ دلار در هر بشکه رسانده است. لذا سیاست ترامپ با افزایش تولید نفت (عوامل بنیادین) و گسترش بازارهای این کشور امنیت بازار نفت ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد. در نمودار (۶) روند تغییرات دکل‌های حفاری و قیمت نفت ملاحظه می‌شود.



نمودار ۶- ارتباط قیمت نفت و تعداد دکل‌های فعال حفاری نفت آمریکا

منبع: مارکت واچ

قیمت نفت کمتر از حدود ۴۵ دلار در هر بشکه از یک سو موجب آسیب به تولیدکنندگان نفت شیل ایالات متحده آمریکا می‌گردد از سوی دیگر، قیمت فرآورده‌های نفتی در سطوح پایین در مرکز سیاست‌های دولت‌های آمریکا قرار دارد. سیاست آمریکا مبنی بر افزایش تولید نفت شیل اثر برنامه تولیدکنندگان نفت اوپک برای تنظیم بازار را خنثی نموده است. همانطور که در نمودار (۷) ملاحظه می‌شود در زمان اجرای سیاست کاهش تولید نفت از ۳۳ به ۳۰ میلیون بشکه در روز، تولید نفت شیل آمریکا از ۸/۹ به ۱۲ میلیون بشکه در روز در طی سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ بوده و در این بازه قیمت نفت در فاصله ۵۶/۸۲ تا ۷۲/۶۲ دلار در هر بشکه نوسان داشته است.



نمودار ۷- ارتباط قیمت نفت و تولید اوپک و نفت شیل طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹

منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

در چنین شرایطی اجماع تولیدکنندگان عضو و غیرعضو اوپک می‌تواند اوضاع نابسامان تولید نفت شیل آمریکا را تا حدودی تعدیل نماید که این امر با نظرات دونالد ترامپ در واکنش به عربستان و اوپک در خصوص حفظ قیمت‌ها در سطوح پایین تناقض دارد. این در صورتی است که اداره اطلاعات انرژی آمریکا ماه نوامبر پیش‌بینی نمود تولید نفت خام این کشور از ۱۰/۸۸ در سال ۲۰۱۸ به ۱۲/۰۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۹ خواهد رسید (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۸).^۱

1. U.S. Energy Information Administration (EIA)

نتیجه‌گیری، پیشنهادات و راهکارها

برنامه‌های ترامپ در حوزه انرژی از کانال عوامل بنیادین و غیربنیادین، امنیت بازارهای نفت ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سیاست ترامپ مبنی بر تحریم مجدد صنعت نفت ایران در قالب عوامل غیر بنیادین در تلاش برای توسعه بازار نفت خود و تصاحب بازارهای نفت کشور بوده است و در این ارتباط در سال ۲۰۱۸ توانسته سهم خود را در بازارهای مهم چین و هند گسترش دهد. همچنین، سیاست دولت کنونی آمریکا مبنی بر توسعه تولید نفت شیل در قالب عوامل بنیادین توانسته بازارهای بین‌المللی را متاثر و در نتیجه امنیت بازارهای نفت ایران را تحت تاثیر قرار داده است. بدین صورت که قیمت نفت ایران در بازارهای مدیترانه و اروپا تابع قیمت نفت خام برنت و نفت خام‌های آمریکا تابع نفت خام شاخص این کشور بوده و با توجه به افزایش نفت شیل و ارزانی آن نسبت به نفت برنت، مشتریان کشور جذب نفت خام‌های آمریکا گردیدند. برنامه مقابله دولت فعلی آمریکا با اوپک از طریق عوامل بنیادین و غیربنیادین به ترتیب نظیر استقلال انرژی و رشد تولید نفت خود، اعمال فشار و تلاش برای تدوین قانون ضد تراست و تحریم نفت ونزوئلا و ایران در راستای تضعیف اوپک به عنوان یکی از سازمان‌های بازیگر در بازار نفت است. به علاوه، تحریم نفت ایران از سوی آمریکا و اختلافات تجاری چین و آمریکا پنجره‌ای برای صادرات نفت ایران باز نموده است. بنابراین، یکی از مهمترین راهبردهای ترامپ افزایش معاملات نفتی با کشورهای تولیدکننده نفت خام در خاورمیانه، افزایش تولید نفت و گاز آمریکا و صادرات آنها به بازارهای بین‌المللی است. کاهش تولید کشورهای عضو اوپک از نوامبر ۲۰۱۶ در جهت تعادل در بازار و تثبیت قیمت‌ها همراه با اعمال فشارهای آمریکا از طریق تحریم‌های فروش نفت ایران در بازار آسیا (مهم‌ترین بازارهای آسیا، شامل چین، هند، کره جنوبی و ژاپن) منجر به کاهش سهم صادرات نفت ایران به این منطقه شده است. بازگشت تحریم‌ها با توجه به وجود مازاد عرضه نفت کافی در بازار، هیچ‌گونه اثر بلندمدتی بر روی قیمت نفت خام نخواهد داشت؛ بلکه فقط با اثر روانی کوتاه‌مدت در بازار، قیمت را تا حدودی افزایش می‌دهد. همچنین، قیمت نفت خام ایران در بازارهای صادراتی کشور تابعی از قیمت نفت خام‌های شاخص در این مناطق می‌باشد و از آنجایی که سیاست‌های دولت آمریکا نظیر تولید نفت شیل اثرات زیادی بر قیمت نفت خام‌های شاخص دارد این مسئله می‌تواند قیمت نفت خام

ایران و به تبع آن درآمدهای نفتی کشور را با مشکلات جدی مواجه سازد. در این ارتباط، ایالات متحده نیاز دارد که تعادل مناسبی بین نیاز مصرف کنندگان و تولیدکنندگان (که شامل تولیدکنندگان نفت شیل آمریکاست) برقرار کند. سیاست‌های دولت ترامپ در حوزه نفت و گاز به گونه‌ای است که قیمت نفت در بازه بهینه نوسان نماید تا از یکسو تولیدکنندگان نفت شیل دچار بحران مالی نشوند و از سوی دیگر رفاه اجتماعی افراد در اثر رشد قیمت نفت از قیمت فرآورده‌ها نظیر بنزین نکاهد. با توجه به عوامل مختلف موثر بر عرضه و تقاضای آتی از طریق توسعه میادین نفت اعم از میادین مرسوم و غیر مرسوم به نظر می‌رسد که در آینده از طریق افزایش تولید نفت خام در آمریکا و خاورمیانه بازار با مازاد عرضه روبرو خواهد شد. لذا با توجه به سیاست‌های دولت ترامپ با طرف‌های تجاری، به هر حال ایران می‌بایست با هر اتفاقی آمادگی خود را حفظ کند. همچنین، در شرایط کنونی استفاده از فروش نیابتی نفت خام کشور از سوی کشورهای همسایه که دارای روابط سیاسی و اقتصادی مناسب می‌باشند می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در جهت حفظ میزان صادرات کشور باشد.

راهکارهایی که در مقابل سیاست‌های ترامپ می‌توان ارائه نمود تمرکز بر استراتژی وابسته‌سازی اقتصاد کشورهای غربی به منابع نفت و گاز از طریق مختلف است. برای نمونه کشور نیز از طریق سرمایه‌گذاری مشترک در خطوط لوله ایران-پاکستان و هند و تقویت صادرات گاز از طریق خط لوله گاز به ترکیه و از آنجا به سمت اروپا و همچنین وابستگی صنایع ترکیه و اروپا عملی است و امنیت صادرات گاز و سهم بازارهای خود را افزایش دهیم. بازار گاز با توجه به توسعه بازار جهانی آن طی سال‌های آتی می‌تواند یک فرصت مهم برای کشور باشد به طوری که تحریم‌های اخیر نیز نتوانست مانع صادرات گاز ایران از طریق خط لوله به ترکیه و عراق گردد. در این راستا، قراردادهای گاز بلندمدت بوده و سرمایه‌گذاری‌های زیادی نیز برای ساخت خط لوله صرف می‌گردد که این امر در حفظ امنیت بازارهای بین‌المللی کشور و بی‌اثر نمودن تحریم‌های غرب در حوزه نفت و گاز مهم است. می‌توان با اجماع‌سازی میان تولیدکنندگان اوپک با ریزنی‌های سیاسی به عنوان ابزاری برای کنترل قیمت نفت و تعدیل کسری بودجه ناشی از افت قیمت نفت استفاده نمود. لذا استفاده از ظرفیت اوپک به عنوان تنها سازمان نفتی که کشور ایران عضو آن است، برای تقویت دیپلماسی انرژی در راستای حفظ

سهم بازار و بی‌اثر نمودن تحریم‌های نفتی بسیار حائز اهمیت است. ایجاد منافع مشترک پایدار میان کشورهای عضو اوپک و کشورهای غیر عضو اوپک (نظیر روسیه) و همچنین هماهنگی میان اعضای مجمع صادرکنندگان گاز از طریق سیاستگذاری مشترک برای تعدیل قیمت در بازار نفت و گاز، عامل اثرگذار برای تامین امنیت سهم بازار اعضای سازمان های مذکور می‌باشد. از آنجایی که خطوط لوله انتقال نفت از طریق قراردادهای بلندمدت است و منافع بلندمدت لحاظ می‌شود و به خاطر همین تحریم‌هایی که معمولاً بسته می‌شود تأثیری روی قراردادهای انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله ندارد. معمولاً این قراردادها از سازمان تحریم‌ها معافیت گرفته و شامل حال تحریم نمی‌شوند. امنیت بازار نفت کشور در صورت اتخاذ سیاست‌های صادرات نفت از طریق خط لوله با توجه به حجم سرمایه‌گذاری و هزینه زیاد طرفین میسر می‌گردد. به علاوه، اتخاذ استراتژی همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های مورد تحریم آمریکا با شرکت‌های بین‌المللی با توجه به وابستگی منافع شرکت‌های بین‌المللی به منابع انرژی کشور تا حدودی سهم بازار را حفظ نموده و تحریم‌ها را بی‌اثر می‌نماید. کشورهای مورد تحریم نظیر ایران، روسیه و ... با تقویت ارتباط با شرکت‌های بین‌المللی از طریق واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های دولتی خود به شرکت‌های بین‌المللی، وابستگی آنها به منابع نفت و گاز این کشورها (کشورهای مورد تحریم) را افزایش داده و بر همین اساس مراحل تولید و فروش نفت و فرآورده‌های آن با موانع کمتری مواجه می‌گردد و از این طریق تحریم‌های حوزه نفت و گاز کمتر می‌گردد. با واگذاری درصدی از سهام شرکت‌های نفتی و پتروشیمیایی به شرکت‌های بین‌المللی و نیز خرید سهام شرکت‌های نفتی نظیر پالایشگاه و پتروشیمی در کشورهای دیگر، شراکت‌های اقتصادی متقابل منافع مشترک ایجاد و با این کار بخشی از حجم صادرات نفت را تثبیت و امنیت درآمد پایدار ایجاد شود. دیپلماسی فعال انرژی در قبال کشورهای نزدیک و همسایه در صحنه بین‌المللی در تلاش برای ایجاد ارتباط از طریق فعالیت در حوزه انرژی است. در برخی موارد استفاده از خط لوله صادراتی و سوآپ برای کشورهای نظیر ترکمنستان، یک فرصت تلقی می‌گردد. دیپلماسی فعال در خصوص همکاری انرژی با کشورهای همسایه مانند آذربایجان، ترکمنستان و... حضور کشور را در بازارهای بین‌المللی گسترش داده که این امر قدرت منطقه‌ای آن را افزایش می‌دهد.

در انتها پیشنهاد می‌شود با توجه به اعمال تحریم‌های آمریکا و خودداری کشورهای اروپایی و آسیایی از خرید نفت خام ایران و تعهد کشورهای عربستان، کویت، عراق و همچنین روسیه مبنی بر جبران کمبود عرضه ایران، بنابراین به نظر می‌رسد که توسعه میداین نفتی کشور می‌بایست صرفاً، معطوف به میداین اولویت‌دار شامل میداین مشترک و همچنین میداین در حال تولید نیازمند فرآوری‌های ثانویه باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که توسعه میداین مستقل بکر فعلاً منتفی و به تعویق انداخته شود. با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که مجدداً ایران با چالش تحریم‌های اقتصادی روبرو است.



منابع

الف- فارسی

- احمدیان، معجد، (۱۳۷۸)، *اقتصاد نظری و کاربردی نفت*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
- خلعتبری، فیروزه، (۱۳۷۳)، *مبانی اقتصادی نفت*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضوی، سید عبدالله؛ سلیمی فر، مصطفی؛ مصطفوی، سید مهدی؛ بکی حسکویی، مرتضی، (۱۳۹۵ الف)، «بررسی تاثیر سیاست‌های پولی آمریکا بر قیمت نفت خام‌های شاخص در کوتاه مدت»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، بهار ۱۳۹۵، دوره ۲۴، شماره ۷۷.
- رضوی، سید عبدالله، (۱۳۹۵ ب)، «تأثیر بازارهای مالی بر رفتار قیمت‌های نفت سنگین ایران در کوتاه مدت»، *مجله اقتصادی*، دوره چهارم، دوره ۱۱، شماره ۲.
- شافریتز، جی.ام؛ کریستوفر بریک، (۱۳۹۰)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- کارل، ترلین، (۱۳۹۰)، *معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی*، ترجمه جعفر خیرخواهان، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- صیادی، محمد؛ خداپرست، یونس، (۱۳۹۵)، «توسعه صنعت نفت و گاز شیل آمریکا و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن بر بازار جهانی انرژی»، *ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، شماره ۱۳۹.
- مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۱ الف)، *سیاست‌گذاری اقتصادی؛ مدل، روش و فرایند*، تهران: انتشارات رخداد نو.
- مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۴ ب)، «سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریم‌های بین‌المللی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دهم، شماره ۳.

ب- انگلیسی

- Adelman, M.A, (1982), OPEC as a Cartel, In *OPEC Behavior and World Oil Prices*, in J.M. Griffin and D.J. Teece, London: George Allen and Unwin.

- Adelman, M. A, (1993), "The Economics of Petroleum Supply", Papers by Adelman M. A. 1962-1993, Cambridge, MA: MIT Press.
- Brock Blomberg & Gregory Hess and J. Hunter Jackson, (2009), "Terrorism and the Returns to Oil, *Economics & Politics*, Volume. 21, Issue3.
- Cologni, A. & Manera, M, (2008), "Oil Prices, Inflation and Interest Rates in a Structural Cointegrated Var Model for the G-7 Countries", *Energy Economics*, No. 30.
- Ebinger, C, (2007), *About the Energy Security Initiative*, Booking Institution, Washington DC.
- Griffin, J. and Teece, M, (1982), *OPEC Behaviour and World Oil Prices*, London: George Allen and Unwin.
- Johany, A, (1980), *The Myth of the OPEC Cartel the Role of Saudi Arabia*, New York: John Wiley and Sons.
- Kaufmann & Robert, K, (2011), "The Role of Market Fundamentals and Speculation in Recent Price Changes for Crude oil", *Energy Policy*, Vol. 39, No. 3.
- Mabro, R, (1998), "OPEC Behaviour 1960-1998", *A Review of the Literature J. Energy Lit*, IV.1.
- Pindyck & Robert, S, (2001a), "The Dynamics of Commodity Spot and Futures Markets: A Primer", *The Energy Journal*, Vol. 22, No. 3.
- Pindyck, R.S, (1978a), "Gains to Producers from the Cartelization of Exhaustible", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 60, No. 2.
- Pindyck, R.S, (1977a), "Cartel Pricing and the Structure of the World Oil Market", *Bell Journal of Economics*, Vol. 8, No. 2.
- Salant, S.W, (1976), Exhaustible Resources and Industrial Structure: A Nash-Cournot Approach to the World Oil Market", *The Journal of Political Economy*, Vol. 84, No. 5.

پ- سایت‌ها

- تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (ژوئن، ۲۰۱۹) برگرفته از سایت

<http://Argus.com>

- تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (ژوئن ۲۰۱۹) برگرفته از سایت

<http://Platts.com>

- تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (دسامبر ۲۰۱۸) برگرفته از سایت

<http://eia.com>

